



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

رویکرد اروپا به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران: از هم پیمانی استراتژیک تا نگرانی از گسترش بحران

ابراونگار ۱۸۲ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



رویکرد اروپا به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران:
از هم پیمانی استراتژیک تا نگرانی از گسترش بحران
ابراونگار ۱۸۲

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۱۴۰۴

رویکرد اروپا به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران: از هم پیمانی استراتژیک تا نگرانی از
گسترش بحران

تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

رویکرد اروپا به جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵، بازتابی روشن از رفتار دوگانه اروپا در مواجهه با بحران‌های امنیتی منطقه بود. حمایت علنی از امنیت رژیم صهیونیستی و هم‌زمان هشدار درباره گسترش جنگ، نمایانگر شکاف میان اهداف اعلامی و منافع عملی اروپا بود؛ شکافی که از تضادهای ساختاری در سیاست خارجی اروپایی ناشی می‌شود.

در بعد حمایتی، مواضع اروپا به‌ویژه E3، بر «حق دفاع اسرائیل» تأکید داشت و ایران را تهدیدی برای ثبات منطقه معرفی کرد. اظهارات مقامات آلمان و بیانیه‌های گروه G7، هم‌سویی اروپا با مواضع تل‌آویو و سیاست مهار هسته‌ای ایران را آشکار ساخت.

در سوی دیگر، اروپا از تبعات گسترش درگیری نگران بود. بیم از بحران انرژی، بی‌ثباتی در خلیج فارس، موج آوارگان و تحریک جوامع داخلی، اروپایی‌ها را به اتخاذ مواضع محتاطانه‌تر و دعوت به خویشتن‌داری و راه‌حل دیپلماتیک سوق داد.

این دوگانگی حاصل عوامل متعددی بود: وابستگی ساختاری اروپا به آمریکا، اولویت‌دهی راهبردی به امنیت رژیم صهیونیستی، شکاف‌های سیاستی میان کشورهای عضو، ملاحظات ژئواقتصادی و امید به حفظ کانال‌های دیپلماتیک با ایران پس از جنگ.

شکاف میان کشورهای اروپایی نیز قابل توجه بود: از حمایت قاطع آلمان و لهستان از رژیم صهیونیستی تا موضع میانه فرانسه و از موضع میانه فرانسه

تا انتقادهای ایرلند، اسپانیا و بلژیک به جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی. این چندصدایی مانع موضع‌گیری واحد قوی علیه ایران شد و در عین حال، زمینه‌ای برای بهره‌گیری از دیپلماسی تفکیکی ایران فراهم ساخت.

از منظر پیامدها برای ایران، روشن شد که اروپا نه میانجی بی‌طرف است و نه بازیگری مستقل از بلوک غرب. در بحران‌های امنیتی، اولویت اروپا با امنیت رژیم صهیونیستی است، حتی اگر به قیمت نادیده‌گرفتن موازین بین‌المللی یا بی‌ثباتی منطقه‌ای تمام شود.

در مجموع، رفتار اروپا در این بحران، نمونه‌ای از سیاستی محافظه‌کار، متعارض و تابع منطق بلوک‌بندی غرب بود. این شناخت، برای تحلیل‌گران و تصمیم‌سازان ایرانی، پایه‌ای واقع‌گرایانه برای فهم حدود تعامل و انتظار از اروپا در تحولات آینده منطقه‌ای فراهم می‌آورد.

مقدمه

جنگ ۱۲ روزه بین رژیم صهیونیستی و ایران که از ۱۳ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ به طول انجامید، نقطه عطفی در پویایی‌های امنیتی غرب آسیا به شمار می‌رود. در بحبوحه این بحران، رویکرد اروپا به این جنگ، از جمله مواضع اتحادیه اروپا و سه قدرت اصلی اروپایی - بریتانیا، فرانسه و آلمان - پیچیدگی‌ها و تناقضات قابل توجهی را به نمایش گذاشت. این رویکرد دوگانه، که بین حمایت قاطع از امنیت رژیم صهیونیستی و نگرانی از گسترش بی‌ثباتی منطقه‌ای در نوسان بود، تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفت و پیام‌های مهمی برای دستگاه دیپلماسی ایران در تعاملات آینده با اروپا دارد.

در چنین بستری، فهم ریشه‌های رویکرد دوگانه اروپا و پیام‌های آن برای آینده تعاملات ایران با اروپا، برای دستگاه دیپلماسی ایران یک ضرورت حیاتی است. بنابراین این گزارش می‌کوشد ابعاد رویکرد اروپایی به جنگ را روشن، تناقضات آن را تبیین و پیام‌های اتخاذ این رویکرد برای دستگاه دیپلماتیک ایران در روابط آتی با اروپا را استخراج و مورد توجه قرار دهد.

۱. تبیین رویکرد دوگانه اروپا به جنگ

رویکرد اروپا به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران را می‌توان با یک دوگانگی مشخص، تعریف کرد: از یک سو، حمایت قاطع از امنیت رژیم صهیونیستی و همسویی با مهار ایران؛ و از سوی دیگر، ابراز نگرانی شدید از گسترش بحران و فراخواندن دو طرف به خویشتن‌داری. این دو جنبه، همزمان و اغلب در یک

بیانیه واحد، توسط کنشگران اصلی اروپایی مطرح شد.

۱-۱. حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی و مهار ایران

پس از حملات گسترده رژیم صهیونیستی و پاسخ تلافی جویانه ایران، کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا به سرعت موضعی اتخاذ کردند که عمدتاً بر حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی و حق دفاع این رژیم از خود تأکید داشت. دیوید لامي، وزیر امور خارجه بریتانیا، در ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ تصریح کرد که بریتانیا «همواره از امنیت اسرائیل حمایت کرده است» و حق این رژیم برای دفاع از خود و شهروندانش را به رسمیت شناخت، هرچند تأکید کرد که بریتانیا «در حملات علیه ایران دخالتی نداشته است» (UK Parliament, 2025).

فردریش مرتس، صدراعظم آلمان، در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ قاطعانه اعلام کرد که «اسرائیل حق دارد از موجودیت خود و امنیت شهروندانش دفاع کند». وی بعدتر در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ پا را فراتر گذاشت و از رژیم صهیونیستی به دلیل انجام «کار کثیف برای همه ما» در حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران تمجید کرد، با این استدلال که «هیچ کس برای غنی‌سازی اورانیوم صلح‌آمیز به تأسیسات پناهگاهی تا عمق ۱۰۰ متری زیر زمین نیاز ندارد» (Azizi & Veen, 2025). وزارت امور خارجه فرانسه نیز در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، ضمن ابراز نگرانی از تشدید تنش‌ها، بر «تعهد خود به ثبات منطقه‌ای و امنیت اسرائیل» تأکید کرد. کایا کالاس، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی، نیز «تعهد قوی اتحادیه اروپا به امنیت منطقه‌ای، از جمله امنیت دولت اسرائیل» را تکرار کرد (Ministry for Europe and Foreign Affairs, 2025).

جدای از بحث حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی، دلیل اصلی دیگری

که اروپایی‌ها را در دسته حامیان حمله این رژیم قرار می‌داد، هدف دیرینه آنها در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بود. کشورهای E3 علاوه بر اعلام مواضع جداگانه، در بیانیه مشترک خود در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کردند که «ایران هرگز نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد و دیگر نمی‌تواند تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای باشد». رهبران گروه G7، شامل بریتانیا، فرانسه، آلمان و نماینده عالی اتحادیه اروپا، نیز به طور جمعی حق اسرائیل برای دفاع از خود و حمایت از امنیت آن را تأیید کردند و ایران را «منبع اصلی بی‌ثباتی و ترور منطقه‌ای» خواندند و تأکید کردند که «ایران هرگز نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد» (France Diplomatie, 2025, June).⁽²²⁾

به طور کلی رهبران اروپایی، از جمله صدراعظم آلمان، رئیس‌جمهور فرانسه و سایر رهبران گروه G7، بلافاصله و به طور مداوم بر «حق اسرائیل برای دفاع از خود» تأکید کردند. این در حالی است که در حقوق بین‌الملل، حق دفاع از خود معمولاً به اقدامات پس از وقوع یک حمله مسلحانه محدود می‌شود، نه حمله‌ای پیش‌دستانه و تجاوزکارانه. اظهارنظر صریح مرتس مبنی بر اینکه اسرائیل «کار کثیف را برای همه ما انجام می‌دهد»، به وضوح تأیید راهبردی موضع تهاجمی این رژیم را به نمایندگی از منافع گسترده‌تر غرب آشکار می‌سازد. در واقع یک سوپه قوی رویکرد اروپا در جنگ (با چارچوب‌بندی مداوم ایران به عنوان بازیگر اصلی بی‌ثبات‌کننده در منطقه و در معرض تسلیح هسته‌ای)، حمایت از اقدامات قاطع، حتی نظامی، با هدف تضعیف قابلیت‌های هسته‌ای و هدف کلان‌تر یعنی مهار ایران بود.

۲-۱. نگرانی از گسترش بحران و بی‌ثباتی فراگیر منطقه‌ای

در کنار حمایت از رژیم صهیونیستی، قدرت‌های اروپایی همزمان خواستار

کاهش تنش و خویشتن‌داری فوری شدند که ناشی از ترس از گسترش درگیری به سطح منطقه‌ای بود. در همین راستا وزیر امور خارجه بریتانیا صراحتاً اظهار داشت که «گسترش جنگ پیامدهای وخیم و غیرقابل پیش‌بینی خواهد داشت» و «اولویت کنونی بریتانیا کاهش تنش است» و از اسرائیل و ایران خواست که «عقب‌نشینی کرده، خویشتن‌داری نشان دهند و عمیق‌تر در یک درگیری فاجعه‌بار که هیچ کس نمی‌تواند پیامدهای آن را کنترل کند، فرو نروند» (UK Parliament, 2025)

فرانسه «نگرانی عمیق خود را در پرتو تشدید تنش‌های جاری» ابراز کرد و از طرفین خواست «از هرگونه اقدامی که می‌تواند منطقه وسیع‌تر را بی‌ثبات کند، خودداری کنند» و خواستار «استفاده از همه ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش» شد. مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، تأکید کرد که راه‌حل دائمی برای برنامه هسته‌ای و موشکی تنها از طریق مذاکره قابل دستیابی است. صدراعظم آلمان، فردریش مرتس نیز از هر دو طرف خواست «از اقداماتی که می‌تواند منجر به تشدید بیشتر و بی‌ثبات‌کردن کل منطقه شود، خودداری کنند». رئیس دفتر او، تورستن فرای، بر لزوم حیاتی «استفاده از هر فرصتی» برای راه‌حل دیپلماتیک تأکید کرد (France Diplomatie, 2025, June 24). کایا کالاس، نماینده عالی اتحادیه اروپا نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد که «اتحادیه اروپا با دقت بسیار وضعیت خاورمیانه را دنبال می‌کند و نگرانی عمیق خود را نسبت به تشدید خطرناکی که پس از حملات اسرائیل به ایران و پاسخ ایران، ثبات خاورمیانه را تهدید می‌کند، ابراز می‌دارد» (Kazinform, International News Agency, 2025).

به طور کلی سویه دوم رویکرد اروپایی متمرکز بر «پیامدهای وخیم و غیرقابل پیش‌بینی»، «پیامدهای فاجعه‌بار برای کل منطقه» و خطر «بحران

نفتی یا نشت رادیواکتیو» بود. این نگرانی‌ها مستقیماً به ثبات اقتصادی اروپا، امنیت انرژی و ایمنی شهروندانش مربوط می‌شد. در واقع تأکید شدید اروپا بر کاهش تنش، عمدتاً ناشی از ارزیابی عمل‌گرایانه از پیامدهای شدید و غیرقابل پیش‌بینی یک جنگ گسترده‌تر بود، نه یک اختلاف‌نظر اساسی با اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی. به بیان دیگر، رویکرد دوگانه اروپایی هم در تناقضی جدی بین حمایت از رژیم صهیونیستی و نگرانی از گسترش بی‌ثباتی منطقه‌ای گرفتار بود و هم با یک فرآیند صلح واقعاً بی‌طرفانه و جامع که به نگرانی‌های امنیتی دو طرف درگیری به طور متقارن می‌پرداخت و پیش‌زمینه‌ی جلوگیری از گسترش بحران بود، در تضاد بود.

۲. بررسی علل و عوامل اتخاذ این رویکرد

رویکرد دوگانه اروپا به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده است که ریشه‌های عمیقی در ساختار سیاست خارجی اروپا و پویایی‌های ژئوپلیتیکی منطقه دارد. این عوامل را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۲-۱. وابستگی استراتژیک اروپا به ایالات متحده و تعهد به امنیت رژیم صهیونیستی

وابستگی استراتژیک اروپا به ایالات متحده به ویژه در مسائل امنیتی و تعهد اصولی آن به امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی، نقش محوری در شکل‌گیری رویکرد دوگانه اروپایی ایفا کرد. کشورهای اروپایی از یک سو وابستگی ساختاری امنیتی به ایالات متحده دارند و از دیگر سو، حمایت از امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی بخشی از این تعهد راهبردی آنان محسوب می‌شود. در نتیجه، کشورهای اروپایی نمی‌توانند به‌طور کامل در برابر

اقدام نظامی این رژیم موضعی انتقادی یا مستقل اتخاذ کنند؛ به‌ویژه آنکه واشنگتن در روزهای نخست درگیری از «حق مشروع اسرائیل برای دفاع» حمایت بی‌قید و شرط کرد. با این حال، این وابستگی راهبردی مانع از ابراز نگرانی اروپا درباره تبعات انسانی و منطقه‌ای این جنگ نشد؛ اروپا در تلاش بود ضمن حفظ هم‌راستایی با آمریکا و رژیم صهیونیستی، خود را در چشم افکار عمومی و کشورهای منطقه به‌عنوان بازیگری متعادل نشان دهد. به هر حال این وضعیت به وضوح نشان‌دهنده ظرفیت محدود اروپا برای خودمختاری راهبردی و سیاست خارجی مستقل است. به عبارت دیگر، اروپا با وجود آرمان‌های خود برای خودمختاری استراتژیک، در عمل همچنان در سایه نفوذ ایالات متحده قرار دارد و این وضعیت، توانایی آن را برای ایفای نقش مستقل و قاطع در بحران‌های منطقه‌ای به شدت تضعیف کرده است.

۲-۲. منافع استراتژیک متضاد اروپایی

اروپا در قبال ایران همواره در وضعیتی پرتناقض قرار داشته و این تضاد در جنگ اخیر به اوج رسید. اروپایی‌ها از یک سو نگران برنامه هسته‌ای ایران و توسعه ظرفیت‌های موشکی آن هستند، و از این منظر، اقدام رژیم صهیونیستی برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی و هسته‌ای ایران را با مطامع مهارگرایانه خود همسو می‌دانند. اما از سوی دیگر، به‌شدت نگران تبعات گسترش جنگ از جمله بی‌ثباتی در خلیج فارس و اختلال در مسیرهای انرژی؛ موج جدید آوارگان و فشار بر زیرساخت‌های اجتماعی اروپا؛ تقویت بازیگران غیردولتی و شبه‌نظامی در منطقه؛ افزایش رادیکالیزه‌شدن جوامع مسلمان در داخل کشورهای خود هستند. اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که برخلاف ایالات متحده، در تیررس مستقیم اثرات ژئوپلیتیکی بحران در غرب آسیا قرار دارند. بنابراین در عین همدلی با اقدام نظامی رژیم

صهیونیستی برای تضعیف ایران، نسبت به شعله‌ور شدن یک جنگ منطقه‌ای، یا حتی احتمال ورود دیگر بازیگران (مانند حزب‌الله، حوثی‌ها، یا حتی روسیه) به صحنه، بیم عمیق دارند. این تضاد باعث شد بیانیه‌های اروپایی، آکنده از دوگانگی‌هایی نظیر تأکید بر «ضرورت مهار ایران» در کنار هشدارهای صریح نسبت به «خطر گسترش جنگ و نیاز فوری به آتش‌بس» باشد.

۲-۳. تشتت درونی کشورهای اروپایی در اتخاذ رویکردی واحد و

منسجم

یکی از پویاترین متغیرهای تأثیرگذار در سیاست خارجی اروپا، شکاف‌های داخلی و تفاوت در منافع و رویکردهای سیاست خارجی کشورهای عضو اتحادیه به ویژه در مواقع بحرانی و بحران‌های فوری است. این تشتت نه تنها در قبال ایران، بلکه در برخورد با رژیم صهیونیستی نیز به شدت محسوس است:

- برخی کشورها نظیر آلمان که به واسطه تاریخ خاص خود نسبت به رژیم صهیونیستی رویکردی محافظه کارانه و ملاحظه گر دارند، قاطعانه از تل آویو حمایت کردند.

- در مقابل، کشورهایی مانند ایرلند، اسپانیا و بلژیک، که سنت دیپلماتیک‌شان بر حقوق بین‌الملل و حمایت از فلسطینی‌ها استوار است، مواضع انتقادی تری نسبت به اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی اتخاذ کردند.

- در اروپای شرقی، کشورهایی مانند لهستان و جمهوری چک، به دلایل ژئوپلیتیکی و وابستگی شدید به واشنگتن، عملاً خود را در اردوگاه رژیم صهیونیستی تعریف کردند.

این چنددستگی باعث شد که اتحادیه اروپا نتواند سیاست واحد و قاطعی

درباره جنگ صادر کند و هر موضع رسمی رنگ و بوی مصالحه میان بلوک‌های متضاد درون اتحادیه را به خود گرفت. همین شکاف‌ها درون بدنه بروکراتیک اتحادیه (میان شورای اروپا، کمیسیون، و پارلمان) نیز بازتاب یافت و بر پراکندگی سیاسی اروپا افزود.

۲-۴. ملاحظات اقتصادی و انرژی

اروپا در پی بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین (از ۲۰۲۲ به بعد) به‌سختی در حال تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود بوده است. هرگونه تشدید درگیری در خاورمیانه، به‌ویژه خلیج فارس، تهدیدی مستقیم علیه واردات نفت و گاز از کشورهای این حوزه تلقی می‌شود. در عین حال، برخی دولت‌های اروپایی با شرکایی از کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، قراردادهای انرژی، فناوری یا نظامی دارند و نمی‌خواهند این شراکت‌ها را در خطر بیندازند. بنابراین، اروپا در موضعی بسیار شکننده قرار گرفته که باید هم‌زمان هم از امنیت عرضه انرژی محافظت کند و هم روابط ژئواقتصادی خود را با بازیگران متخاصم حفظ کند.

۲-۵. هراس از واگرایی آتلانتیکی در پی تعمیق بحران

رویکرد دوگانه اروپایی بازتابی از دو ترس و تردید است: ترس از ورود ناتو به درگیری ناخواسته با ایران؛ و تردید فزاینده نسبت به دنباله‌روی کور از سیاست‌های مداخله‌گرایانه واشنگتن. اگرچه اروپا از نظر امنیتی وابستگی ساختاری به آمریکا دارد، اما تجربه جنگ عراق (۲۰۰۳) و خروج فاجعه‌بار از افغانستان، اروپا را نسبت به پیروی کور از سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا محتاط کرده است. برخی پایتخت‌های اروپایی نگرانند که جنگ اسرائیل و ایران، واشنگتن را به سمت مداخله مستقیم سوق دهد و اروپا را پس از جنگ اوکراین وارد درگیری ناخواسته دیگری کند. این نگرانی در حالی تشدید

می‌شود که در داخل ناتو نیز اجماع شکننده‌ای بر سر نحوه مواجهه با ایران وجود دارد. اروپا تلاش می‌کند ضمن حفظ انسجام ناتو که در جنگ اوکراین بیشتر به آن نیاز دارد، خود را از سیاست‌های ماجراجویانه واشنگتن دور نگه دارد.

۶-۲. امید به احیای دیپلماسی راهگشا پس از آتش‌بس

اروپایی‌ها با وجود افزایش سطح تنش با ایران در سال‌های اخیر، همواره به گزینه دیپلماسی نسبت به هر گزینه دیگری ارجحیت داده‌اند. مواضع اروپایی‌ها در طول جنگ به گونه‌ای بود که از جنگ به عنوان فرصتی برای گشایش دیپلماتیک با ایران بهره ببرند. از این منظر، اروپایی‌ها با حفظ موضعی میانه و نه کاملاً خصمانه نسبت به ایران، تلاش کردند فضای دیپلماتیک را نسوزانند تا در صورت پایان جنگ، بتواند مسیری جدید برای توافق باز کنند. در همین راستا، وزارت امور خارجه فرانسه در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵، ضمن استقبال از آتش‌بس، تأکید کرد که «تنها یک راه‌حل دیپلماتیک می‌تواند پاسخ پایدار به چالش‌های امنیتی ناشی از برنامه هسته‌ای ایران را فراهم کند» و از ایران خواست «بدون تأخیر وارد مذاکرات برای توافقی شود که به همه نگرانی‌های مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن بپردازد» (France Diplomatie, 2025, June). 24. آغاز دور جدیدی از مذاکرات هسته‌ای با سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان پس از جنگ - در سوم مردادماه - در استانبول و در سطح معاونان وزرای خارجه نشانه‌ای است که به دلیل فوق قوت می‌بخشد.

۳. پیام‌های اتخاذ این رویکرد برای دستگاه دیپلماتیک ایران در

روابط آتی با اروپا

رویکرد اروپا در قبال جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، پیام‌های روشنی برای دستگاه دیپلماسی ایران در روابط آتی با اروپا دارد. این پیام‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۳-۱. اروپا در امور مرتبط با ایران بازیگری میانجی و بی‌طرف نیست:

رویکرد اروپا به وضوح نشان داد که این قاره در مسائل مرتبط با ایران، به ویژه برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای، نقش میانجی بی‌طرف را ایفا نمی‌کند. بیانیه‌های اروپایی‌ها، حتی زمانی که خواستار دیپلماسی بودند، اغلب این دیپلماسی را به عنوان ابزاری برای مهار ایران و جلوگیری از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای چارچوب‌بندی می‌کردند (Kazinform International News Agency, 2025). حمایت قاطع از اسرائیل تحت ادعای دفاع از خود، حتی در مواجهه با اتهامات نقض قوانین بین‌المللی در حمله پیشگیرانه، نشان‌دهنده یک سوگیری آشکار است. بنابراین، ایران نباید انتظار داشته باشد که اروپا به عنوان یک میانجی بی‌طرف در مذاکرات یا حل و فصل اختلافات عمل کند. در عوض، اروپا به ویژه پس از جنگ اوکراین و متهم کردن ایران به همکاری نظامی و امنیتی با روسیه در بحبوحه این جنگ، در قبال ایران به عنوان یک بازیگر با منافع و سوگیری‌های خاص خود عمل می‌کند که عمدتاً با منافع ایالات متحده و رژیم صهیونیستی هم‌راستا است. با این همه باید به این نکته کلیدی توجه داشت که سیاست اروپا نسبت به ایران نه مطلق خصمانه است و نه بی‌طرف کامل، بلکه همچنان ترکیبی از مهار و تعامل بازدارنده است.

۲-۳. اروپا همچنان در مسائل دفاعی و امنیتی جهانی پیرو آمریکاست: جنگ اخیر یکبار دیگر به وضوح نشان داد که اروپا، با وجود آرمان‌ها و تلاش‌های خود برای خودمختاری استراتژیک، همچنان در مسائل دفاعی و امنیتی جهانی، به ویژه در غرب آسیا، به شدت به ایالات متحده وابسته است. این وضعیت منجر به «به حاشیه رانده شدن ژئوپلیتیکی» اروپا شده، به طوری که می‌توان گفت این قاره از تصمیم‌گیری‌های کلیدی در منطقه کنار گذاشته شده است. این واقعیت به معنای آن است که هرگونه تعامل دیپلماتیک ایران با اروپا در مسائل امنیتی، باید با درک این محدودیت اساسی و این واقعیت که مواضع اروپا اغلب تحت تأثیر و هماهنگی با واشنگتن خواهد بود، انجام شود. نفوذ بر اروپا ممکن است لزوماً به تغییر در سیاست ایالات متحده منجر نشود، بلکه صرفاً به تقویت مواضع مشترک موجود بین آنها بینجامد.

۳-۳. اروپا در صورت لزوم امنیت رژیم صهیونیستی را به بی‌ثباتی منطقه‌ای ارجحیت می‌دهد: مواضع قاطع آلمان و حمایت عمومی E3 و G7 از حق دفاع رژیم صهیونیستی از امنیت و موجودیت خود، حتی زمانی که اقدامات این رژیم منجر به تشدید تنش‌های منطقه‌ای می‌شد، نشان می‌دهد که حفاظت از امنیت اسرائیل یک اولویت استراتژیک برای اروپا است. این اولویت حتی بر نگرانی‌های ابراز شده در مورد بی‌ثباتی منطقه‌ای و عواقب انسانی غلبه می‌کند. این پیام برای ایران روشن است که اروپا، در زمان بحران، امنیت اسرائیل را به عنوان یک خط قرمز تلقی می‌کند و آماده است تا برای حفظ آن، حتی به قیمت افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای، از آن حمایت کند. این امر نشان می‌دهد که هرگونه تلاش ایران برای استفاده از اهرم‌های منطقه‌ای برای تأثیرگذاری بر اروپا، ممکن است با مقاومت قاطعی مواجه شود که ریشه

در این اولویت استراتژیک دارد.

۳-۴. اروپا خواهان ثبات است؛ اما این ثبات را به ایران گره نمی‌زند:
اروپا ایران را بخشی از مشکله منطقه‌ای می‌بیند، نه الزاماً بخشی از راه‌حل، مگر اینکه تهران تصویر و رفتار خود را تغییر دهد. رویکرد اروپا نشان داد که حتی در شرایطی که ایران مورد حمله قرار می‌گیرد، تمایلی برای شناسایی نقش ایران به‌عنوان قربانی یا بازیگر مسئول ندارد.

۳-۵. چندپارگی اروپا، پنجره‌ای برای دیپلماسی تاکتیکی ایران است:
تشتت مواضع در درون اروپا (هم در قبال ایران، هم رژیم صهیونیستی) به تهران فرصت می‌دهد با دیپلماسی تفکیکی، هزینه اجماع ضدایرانی را افزایش دهد. همانطور که پیش از این نیز عنوان شد، اروپا در قبال جنگ، مواضعی ناهمگون داشت: از کشورهای متمایل به آمریکا و رژیم صهیونیستی (مانند آلمان و لهستان)، تا کشورهای میانه (مانند فرانسه) تا منتقدان جدی سیاست‌های جنگ‌طلبانه این رژیم (مانند ایرلند یا بلژیک). این واگرایی دیپلماتیک می‌تواند ابزاری در دست ایران باشد برای جلوگیری از اجماع اروپا علیه خود. پیامی که در این زمینه منعکس می‌شود، فعال‌سازی دیپلماسی دو یا چندجانبه (نه صرفاً اتحادیه‌ای) با کشورهای خاص اروپایی برای شکستن صف واحد اروپایی علیه ایران و بهره‌گیری از کشورهای «میانجی بالقوه» مانند اتریش، اسپانیا یا فنلاند برای پیشبرد گفتگوها و کاستن از فشارهای همه‌جانبه است.

نتیجه‌گیری

تحلیل رویکرد و رفتار اروپا در قبال جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران نشان می‌دهد که سیاست خارجی این قاره در مواجهه با بحران‌های

امنیتی منطقه‌ای، دچار نوعی دوگانگی ساختاری و کارکردی است؛ دوگانگی‌ای که نه صرفاً ناشی از ملاحظات اخلاقی یا فشارهای افکار عمومی، بلکه برآمده از تضاد درونی منافع امنیتی، اقتصادی و هویتی اروپا به عنوان بخش مهمی از جهان غرب است.

اروپا در موضع‌گیری‌های خود کوشید از یک سو، به‌عنوان متحد استراتژیک رژیم صهیونیستی و تابع سیاست‌های کلان آتلانتیکی ظاهر شود، و از سوی دیگر، خود را نگران صلح و ثبات منطقه‌ای و مدافع حقوق و قواعد بین‌المللی نشان دهد. اما هم‌سویی عملی با رژیم صهیونیستی و غیبت هرگونه موضع‌گیری مؤثر در قبال اقدام پیش‌دستانه و مخاطره‌آمیز تل‌آویو علیه ایران، نشان داد که در محاسبات راهبردی اروپا، امنیت رژیم صهیونیستی و حفظ نظم مطلوب غرب، بر اصول اعلامی چندجانبه‌گرایی و بی‌طرفی اولویت دارد. در این میان، اگرچه ترس از بی‌ثباتی منطقه‌ای و شکاف‌های درون‌اتحادیه‌ای موجب تعدیل لحن اروپا شد، اما در بزنگاه‌های امنیتی، سیاست رسمی اروپا در مدار پیگیری فشار حداکثری جهت مهار منطقه‌ای ایران عمل کرد. از این رو، تصویر اروپا به‌عنوان یک میانجی متعادل یا وزنه‌ای مستقل در نظم غرب آسیا، در عمل فاقد پشتوانه رفتاری است.

بر این اساس، نتیجه کلیدی گزارش حاضر آن است که دیپلماسی ایران نمی‌تواند و نباید بر ادعاهای بی‌طرفی یا پیام‌های ظاهراً متوازن اروپا اتکا کند. آنچه در رفتار واقعی اروپا مشهود است، ترکیبی از محافظه‌کاری ژئوپلیتیکی، اولویت‌بخشی به نظم امنیتی غرب‌محور و تلاش در راستای مهار ایران است. شناخت این واقعیت، شرط لازم برای طراحی سیاست خارجی واقع‌بینانه و مبتنی بر تحلیل واقع‌گرایانه از ظرفیت‌های اروپا در مواجهه با بحران‌های آینده است.

منابع

1. Azizi, H., & van Veen, E. (2025, July 1). The EU's response to Israel's assault on Iran: The justified, the hypocritical and the vacuous. Clingendael Institute. <https://www.clingendael.org/publication/eus-response-israels-assault-iran-justified-hypocritical-and-vacuous>
2. France Diplomatie. (2025, June 22). E3 leaders' declaration on the situation in the Middle East (Sunday, June 22, 2025). Retrieved from <https://mt.ambafrance.org/E3-leaders-declaration-on-the-situation-in-the-Middle-East-Sunday-June-22-2025>
3. France Diplomatie. (2025, June 24). France welcomes US announcement of Iran-Israel ceasefire. <https://mt.ambafrance.org/France-welcomes-US-announcement-of-Iran-Israel-ceasefire>
4. Kazinform International News Agency. (2025, June 15). EU releases statement on Israel-Iran conflict. Qazinform. <https://qazinform.com/news/eu-releases-statement-on-israel-iran-conflict-dc8e4a>
5. Ministry for Europe and Foreign Affairs. (2025, June 13). Israel/Iran – Israeli strikes on Iran (13 June 2025). France Diplomatie. <https://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/israel-palestinian-territories/news/2025/article/israel-iran-israeli-strikes-on-iran-13-june-2025#:~:text=France%20is%20aware%20of%20the,the%20situation%20on%20the%20ground.>
6. UK Parliament. (2025, June 16). Iran-Israel conflict. Hansard. <https://hansard.parliament.uk/commons/2025-06-16/debates/9A18C34D-BB31-47DE-A983-753DC411A049/Iran-IsraelConflict>



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.